



## رابطه سرمایه های روانشناختی با مسئولیت پذیری اجتماعی در نوجوانان

صدیقه قاسمی، دکتر احمد رستگار

دانشجوی کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی پیام نور شیراز ghasemisedegheh@yahoo.com

استادیار دانشگاه پیام نور تهران rastegar\_ahmad@yahoo.com

### چکیده:

مشخص شده است که سرمایه روانشناختی روی طیف گسترده‌ای نتایج فردی و اجتماعی همچون مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی تأثیر مثبت دارد. همچنین علاوه بر کارکردهای رفتار سازمانی سرمایه روانشناختی مشخص شده است که سرمایه روانشناختی تلویحات مهمی نیز برای مدیریت منابع انسانی دارد. بنابراین گسترده ی سرمایه روانشناختی میتواند بر طیف وسیعی از قلمروهای علمی سایه افکند و مورد استفاده پژوهشگران و افراد اجرایی در تحقق ظرفیتهای مثبت روانشناختی افراد در دستیابی به مطلوب ترین دستاورد قرار گیرد. دوران نوجوانی زمان ارزشمندی برای یادگیری مسئولیت پذیری اجتماعی است، زیرا در این دوران است که فرد دوست دارد استقلال بیشتری داشته باشد و باید تصمیماتی درباره برخی از ارزش ها و روش های رفتاری خود بگیرد. یکی از فاکتورهای اصلی که می تواند به انتخاب های نوجوانان پختگی ببخشد، میزان مسئولیت آنها در کارهای شخصی و اجتماعی است. در این راستا، این پژوهش به بررسی رابطه بین سرمایه های روانشناختی و مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی در بین نوجوانان پرداخته است. نتایج تحقیق بطور کلی بیانگر این است اگر چه مسئولیت پذیری در مدرسه و مسئولیت پذیری فردی در میان دختران بیش از پسرها بود اما، مسئولیت پذیری اجتماعی پسرها بیش از دختران می باشد. بعلاوه مسئولیت پذیری اجتماعی و فردی و مسئولیت پذیری در مدرسه رابطه معنی داری با سرمایه ها روانشناختی دارد.

واژگان کلیدی: سرمایه های روانشناختی، مسئولیت پذیری اجتماعی، سرمایه های اجتماعی، نوجوانان

### ۱- مقدمه

مسئولیت یک ویژگی شخصیتی است که معمولاً به صورت یک نگرش در ساختار روانی و رفتاری فرد شکل می گیرد و یک متغیر عمده و اساسی در رفتارهای اجتماعی محسوب می شود و لذا در آموزش رفتارهای اجتماعی جایگاه جالب توجهی دارد. مسئولیت پذیری در ابعاد فردی و اجتماعی، مفهومی است که می تواند ابزار و وسیله خوبی برای حفظ انسجام اجتماعی در عین احترام به تفاوت های موجود و فهم آنها باشد. مسئولیت پذیری نوعاً به این عنوان تعریف می شود که کسی بتواند تعهداتی را که بر عهده دارد، انجام دهد. معمولاً شاخص های مرتبط با مسئولیت پذیری با مواردی همچون انگیزه متعهد شدن و انجام تلاش لازم برای موفقیت در کارها (اعتماد به نفس/ خودکارآمدی)، داشتن اسناد مثبت درباره موفقیت های حال و آینده (Barrick & Mount, Judge, Heller, & Mount, 2008) عملکرد تحصیلی (Nofle & Robins, 2009)، سلامت روان، کیفیت روابط دوستانه نزدیک (Bogg & Roberts, 2008) و رفتارهای سلامتی همبسته با طول عمر (Bogg & Roberts, 2008) در هم آمیخته است. پنداشتن افراد بعنوان مسئولیت پذیر، بطور ویژه ای با سن آن ها در ارتباط است. در مطالعه ای جوانان ادعا می کردند که مسئولیت پذیری یک ویژگی اصلی است که نیاز است فرد بعنوان «شخص بالغ» در نظر گرفته شود (Arnett, 2010). در این بین، مدارکی دال بر این وجود دارد که عدم مسئولیت پذیری بطور فزاینده ای با محرومیت اجتماعی و ارزیابی های اجتماعی منفی از سنین بلوغ به بزرگسالی در ارتباط است (Wood, Gosling, & Potter, 2008; Wood & Roberts, 2008). مسئولیت پذیری در یک تقسیم بندی کلی به دو بخش مسئولیت پذیری فردی و مسئولیت پذیری اجتماعی تقسیم می شود. مسئولیت پذیری فردی به این معناست که فرد «خود را نسبت به خود و موقعیتی که در آن قرار گرفته و همچنین نیازها و بهروزی دیگران مسئول بداند» (Mergler et al., 2008). اما ایده اساسی مسئولیت پذیری اجتماعی - در مورد نوجوانان - به رسمیت شناختن این نکته است که جوانان بخشی از جامعه هستند و آن ها باید در آرمان ها و اهداف اجتماعی مشارکت کنند (Wood & Roberts, 2008). از سوی کلی و همکارانش (Keli et al., 2008) مسئولیت پذیری اجتماعی را در ارتباط نزدیکی با مفاهیمی چون حقوق بشر، عدالت اجتماعی و تعامل اجتماعی می دانند. دوران نوجوانی زمان ارزشمندی برای یادگیری مسئولیت پذیری اجتماعی است، زیرا در این دوران است که فرد دوست دارد استقلال بیشتری داشته باشد و باید تصمیماتی درباره برخی از ارزش ها و روش های رفتاری خود بگیرد. یکی از فاکتورهای اصلی که می تواند به انتخاب های نوجوانان پختگی ببخشد، میزان مسئولیت آن ها در کارهای شخصی و اجتماعی است. بطور کلی، مسئولیت پذیری در بُعد فردی زمینه ساز مسئولیت پذیری اجتماعی است و مسئولیت پذیری اجتماعی، پیامدهای



اجتماعی و فرهنگی زیادی دارد که یکی از مهمترین آن ها دیگر خواهی در روابط اجتماعی است. مسئولیت پذیری و دیگر خواهی نه تنها دارای آثار خاص پیش گفته هستند، بلکه از آثار اجتماعی آن ها در شرایط جامعه مدرن نیز نمی توان غافل بود. در جامعه ای که اکثر روابط، غیر شخصی و تعمیم یافته؛ بر اساس نقش و نه هویت فردی و خانوادگی افراد برقرار می شود، جریان تعامل اجتماعی در شبکه بزرگ نظام اجتماعی به صورت نوعی مبادله تعمیم یافته، صورت می گیرد، بنابراین وجود اعتماد متقابل به هنجارهای عام نظام اجتماعی مقوم کارکرد صحیح جامعه است. با توجه به این که مسئولیت پذیری اجتماعی، توانایی های اجتماعی، انگیزه تحصیلی، توجه به مباحث اخلاقی و اجتماعی، انطباق شخصی، احساس وظیفه نسبت به دیگران، احترام به دیگران، تعهد به اجتماع و ... را افزایش می دهد، توجه به این مسئله بسیار مهم است. اهمیت مسئولیت پذیری در شرایط جامعه چند فرهنگی موجود ایران اهمیتی مضاعف پیدا می کند. بنابراین مطالعه مسئولیت پذیری و متغیرهای مرتبط با آن می تواند از اهمیت زیادی برخوردار باشد.

## ۲- مبانی نظری

تعهد و مسئولیت پذیری اجتماعی از ویژگی های شخصیتی افراد است که تحت تاثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی قرار دارد (کرایب، ۱۳۸۹: ۵۳ به نقل از پارسونز) پاسونز با تاکید بر عام گرایی آن را به عنوان یکی از عوامل اجتماعی می خواند که منجر به افزایش مسئولیت پذیری اجتماعی کنشگران می شود.

با آغاز سده بیست و یک، گروهی از روان شناسان به رهبری مارتین سلیگمان، روان شناس و پژوهشگری مشهور در رویکرد روان شناسی بیماری گرا که نخستین بار، مفهوم ناتوانی اکتسابی را مطرح کرد، تصمیم گرفتند به بررسی یافته های پژوهشی خود در پنج دهه گذشته با نام: مکتب روان شناسی بیماری گرا بپردازند. آنها به این نتیجه رسیدند که با وجود دستاوردهای چشمگیری که در یافتن درمان های موثر برای بیماریهای ذهنی و رفتارهای ناکارآمد حاصل شده بود، در روان شناسی، در کل، توجه به نسبت اندکی به رشد، توسعه و خود شکوفایی افراد سالم شده بود. در نتیجه، سلیگمان و همکارانش در صدد برآمدند، در جهت دهی دوباره به پژوهشهای روان شناختی، دو ماموریت کاملاً جدید را مورد نظر قرار دهند:

(۱) کمک به افراد با شخصیت سالم، برای برخورداری از شادی و بهره وری بیشتر در زندگی؛

(۲) کمک به شکوفاسازی قابلیت های انسانی.

و بدین ترتیب بود که مکتب روان شناسی مثبت گرا ایجاد شد (Luthans, Avolio, Youssef, 2008).

علم روان شناسی که در آغاز به جای مطالعه سلامت روان به بررسی بیماری روانی می پرداخت تا مدتها استعداد بالقوه آدمی برای رشد و کمال را نادیده می گرفت. اما در سالهای اخیر، شمار روزافزونی از روان شناسان، به قابلیت کمال و دگرگونی در شخصیت آدمی ایمان آورده اند. تصویری که روان شناسان مثبت گرا (Positive Psychology) از طبیعت انسان به دست می دهند خوش بینانه و امید بخش است، زیرا آنها به قابلیت گسترش، پرورش، شکوفایی و کمال انسان و تبدیل شدن به آنچه در توان آدمی است، باور دارند.

## ۳- سرمایه روان شناختی

نتایج پژوهشهای انجام شده در زمینه رفتار سازمانی مثبت گرا حاکی از آن است که ظرفیت های روان شناختی، از قبیل: امیدواری، تاب آوری، خوش بینی و خود-کارآمدی، در کنار هم، عاملی را با عنوان: سرمایه روان شناختی (psychological capital) تشکیل می دهند. به عبارت دیگر، برخی متغیرهای روان شناختی، از قبیل: امیدواری، تاب آوری، خوش بینی و خود-کارآمدی، در مجموع یک منبع یا عامل نهفته جدیدی را تشکیل می دهند که در هر یک از این متغیرها، نمایان است (Avey et al, 2008).

در واقع، لوتانز و همکارانش در توسعه چارچوب رفتار سازمانی مثبت گرا در سازمانها، سرمایه روان شناختی مثبت گرا را به عنوان یک عامل ترکیبی و منبع مزیت رقابتی سازمانها مطرح کرده اند. آنها بر این باورند که سرمایه روان شناختی، با تکیه بر متغیرهای روان شناختی مثبت گرایی همچون: امید، خوش بینی، تاب آوری و ... منجر به ارتقای ارزش سرمایه انسانی (دانش و مهارت های افراد) و سرمایه اجتماعی (شبکه روابط میان آنها) در سازمان می شود. بنا براین، سرمایه روان شناختی، از متغیرهای روان شناختی مثبت گرایی تشکیل شده است که قابل اندازه گیری، توسعه و پرورش هستند و امکان اعمال مدیریت بر آنها وجود دارد. همان گونه که پیش از این اشاره شد این متغیرها، عبارتند از:

(۱) خود-کارآمدی (self-efficacy)؛

(۲) امیدواری (hope)؛

(۳) خوش بینی (optimism)؛

(۴) تاب آوری (resiliency). (Page, Donohue, 2008).

در ادامه توضیحی پیرامون هر یک از این موارد ارائه می شود.



### ۳-۱- خود - کارآمدی

خود - کارآمدی که منشا پیدایی آن پژوهش و نظریه شناختی اجتماعی بندورا است و می توان به سادگی آن را اعتماد به نفس نامید- به این ترتیب تعریف می شود: "باور (اطمینان) فرد به توانایی هایش برای دستیابی به موفقیت در انجام وظیفه ای معین از راه ایجاد انگیزه در خود، تامین منابع شناختی برای خود و نیز ایفای اقدامات لازم".

افراد با خود- کارآمدی بالا دارای این پنج ویژگی زیر هستند:

۱. هدفهای والایی برای خود تعیین می کنند و ایفای وظایفی دشوار برای رسیدن به آن هدفها را بر عهده می گیرند.
۲. به استقبال چالشها می روند و برای رویارویی با چالشها سخت تلاش می کنند.
۳. انگیزه فردی آنها به شدت بالا است.
۴. برای دستیابی به هدفهای خود از هیچ تلاشی مضایقه نمی کنند.
۵. در رویارویی با موانع، ثابت قدم هستند.

### ۳-۱-۲- پنج نکته در رابطه با خود - کارآمدی عبارتند از اینک:

- ۱) خود- کارآمدی در هر زمینه ای مختص همان قلمروی فعالیت است و به سادگی نمی توان آن را به دیگر عرصه های زندگی فرد، تعمیم داد.
- ۲) کسب خود- کارآمدی در هر فعالیتی مبتنی بر تمرین و کسب تسلط در آن رشته فعالیت است.
- ۳) در هر فعالیتی، هر چند فرد دارای خود - کارآمدی باشد، همیشه امکان ارتقای خود - کارآمدی وجود دارد.
- ۴) خودکارآمدی فرد تحت تاثیر باور دیگران به توانایی های فرد است.
- ۵) خود- کارآمدی فرد، تحت تاثیر عواملی مانند: دانش و مهارتهای فرد، سلامتی جسمی و روانی او و نیز شرایط بیرونی دربرگیرنده فرد است .

### ۳-۲- تاب آوری

تاب آوری در اصطلاح چنین تعریف می شود: " نوعی حالت قابل توسعه در فرد که بر اساس آن قادر است در رویارویی با ناکامی ها، مصیبت ها و تعارضهای زندگی و حتی رویدادهای مثبت، پیشرفتها و مسئولیت بیشتر به تلاش افزون تر ادامه دهد و برای دستیابی به موفقیت بیشتر، از پای ننشیند. "

پژوهشهای انجام شده حاکی از آن است که برخی افراد تاب آور، پس از رویارویی با موقعیت های دشوار زندگی، دوباره به سطح معمولی عملکرد باز می گردند، حال آنکه عملکرد برخی دیگر از این افراد، پس از رویارویی با ناکامی ها، مصیبت ها و دشواری ها نسبت به گذشته ارتقا پیدا می کند. در مجموع، افراد تاب آور، دارای این ویژگی ها هستند:

۱) واقعیت های زندگی را به سهولت می پذیرند.

۲) ایمان دارند که زندگی پر معنا است. (این باور معمولاً به وسیله ارزشهای آنها حمایت می شود).

۳) دارای توانایی های چشمگیری برای وفق دادن سریع خود با تغییرات بزرگ هستند (Luthans, Vogelgesang Lester, 2008).

برای دستیابی به تاب آوری، گروهی از مهارتها و نگرش ها مورد نیاز است که در اصطلاح به آنها سخت رویی (hardness) گفته می شود. سخت رویی به افراد کمک می کند تا در رویارویی با تغییرات تنش زا، دشواریها را به فرصت هایی پر منفعت تبدیل کنند. نگرشهای مورد نظر در سخت رویی، عبارتند از: تعهد، کنترل و چالش طلبی.

مقصود از تعهد آن است که فرد در رویارویی با شرایط دشوار، به جای ترک صحنه، ترجیح دهد حضور خود را در صحنه حفظ کرده، به افراد درگیر در آن موقعیت، در برطرف کردن دشواری کمک کند. مقصود از کنترل، آن است که فرد به توانایی های خود برای اثرگذاری بر نتایج رویدادها باور داشته باشد و مقصود از چالش طلبی، آن است که فرد در رویارویی با چالشها به جای مقصر قلمداد کردن سرنوشت، در صدد ایجاد فرصت هایی برای رشد خود و دیگران باشد.

همچنین در شکل گیری و بروز رفتارهای سخت رویانه، فرد باید مهارتهای حل مسئله و تعامل با دیگران برای تعمیق حمایت های اجتماعی را نیز در خود پرورش دهد (Maddi, Khoshaba, 2008).

در واقع، تاب آوری پدیده ای است که از پاسخ های انطباقی طبیعی انسان حاصل می شود و علیرغم رویارویی فرد با تهدیدهای جدی، وی را در دستیابی به موفقیت و غلبه بر تهدیدها توانمند می سازد.

نسبت به سایر متغیرهای تشکیل دهنده، سرمایه روان شناختی، در ادبیات سازمانی کمترین پژوهشها در رابطه تاب آوری در محیط کار انجام شده است (Page, Donohue, 2010).

### ۳-۳- خوش بینی





# International Conference on Psychology, Educational and Behavioral Sciences

کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و رفتاری

12th and 13th July 2016 - Iran, Tehran

۲۲ و ۲۳ تیرماه ۱۳۹۵ - تهران

سلیگمان پدر روان‌شناسی مثبت‌گرا، بر این باور است که: افراد خوش‌بین، در رویارویی با شکست‌ها و موفقیت‌های خود، چنین عمل می‌کنند: (۱) بر اسنادهای کلی تکیه می‌کنند؛ مثلاً: "من قادر به کسب موفقیت در زمینه‌های گوناگون هستم." (۲) اسنادهایشان پایدار است؛ مثلاً: "من می‌توانم به طور مستمر این موفقیت را از آن خود کنم." (۳) موفقیت‌هایشان را به توانایی‌های درونی خود نسبت می‌دهند؛ مثلاً: "توانایی‌ها و تلاش خودم منجر به موفقیت‌ها شد." (۴) در رویارویی با ناکامی‌ها، شکست خود را به عوامل ویژه بیرونی و غیر پایدار نسبت می‌دهند، مثلاً: "گرمی هوا، باعث شد، سخنرانیم خوب پیش نرود." توضیحی دیگر برای خوش‌بینی که توسط کارور و شی‌یر مطرح شده این است که افراد خوش‌بین همواره در انتظار رخ دادن اتفاقاتی خوشایند در زندگیشان هستند. نکته مهم آن است که در سرمایه روان‌شناختی، خوش‌بینی واقعی مورد نظر است، زیرا خوش‌بینی غیرواقعی منجر به پیامدهای منفی می‌شوند. (Jensen Luthans, 2008&). در خوش‌بینی واقع‌بینانه، در حقیقت، فرد به ارزیابی آنچه می‌تواند به دست آورد در برابر آنچه قادر به کسب آن نیست، می‌پردازد. بنابراین، خوش‌بینی واقع‌بینانه، نقش مهمی در ارتقای خود - کارآمدی فرد دارد (Luthans & Avolio, 2008).

## ۴-۳- امیدواری

اسنایدر امیدواری را به این صورت تعریف کرده است: "حالت انگیزشی مثبتی که از احساس موفقیت‌آمیز (Agency) عاملیت (انرژی معطوف به هدف) و (۲) برنامه‌ریزی برای دستیابی به هدف ناشی شده است." بنابراین، امیدواری از دو جزء تشکیل شده است: عاملیت، برنامه‌ریزی برای دستیابی به هدف. مقصود از عاملیت، داشتن اراده برای دستیابی به نتیجه مورد نظر یا دلخواه است. بنابراین، امیدواری، مستلزم، عاملیت یا نوعی انرژی برای تعقیب هدفها است. علاوه بر این، دیگر عنصر تشکیل‌دهنده امیدواری، برنامه‌ریزی برای دستیابی به هدف است که نه تنها دربرگیرنده شناسایی هدفها است، بلکه راه‌های متفاوت رسیدن به هدفها را نیز در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر: امیدواری مستلزم داشتن اراده برای نیل به موفقیت و نیز، شناسایی، شفاف‌سازی و پیگیری راههای لازم برای دستیابی به موفقیت است. بنا بر نتایج پژوهش انجام شده توسط آدامز از بین سازمانهای شرکت‌کننده در پژوهش وی، آنهایی که سطح امیدواری کارکنانشان بالاتر بود، نسبت به سایر سازمانهای مورد بررسی عملکرد موفقیت‌آمیزتری داشتند. همچنین بنا بر پژوهشهای پترسون و لوتانز سطح امیدواری مدیران رستورانهای غذای آماده، با عملکرد مالی واحد و رضایت شغلی کارکنانشان، همبستگی مثبت بالایی داشت. می‌توان برای تعریف شایستگی **مسئولیت‌پذیری اجتماعی (Social - Responsibility)** از این عبارت استفاده کرد: توانایی بروز خود به عنوان یک عضو دارای حس همکاری، موثر و سازنده در گروه. **مسئولیت‌پذیری اجتماعی**، شایستگی است که ما را قادر می‌سازد مراقب تلاش‌های کاری خود باشیم و در راه علائق دیگران و گروه‌هایی خدمت کنیم که خارج از حیطه نیازهای فردی، اهداف، و نگرانی‌های ما قرار دارند. بار- آن معتقد است افراد مسئولیت‌پذیر در جامعه، "قادرند برای دیگران و همراه با آنها کاری را انجام دهند، دیگران را بپذیرند، همگام با وجدانیات خود حرکت نمایند، و قوانین اجتماعی را رعایت نمایند. این افراد به حساسیت‌های مربوط به روابط میان فردی احترام گذاشته و قادر به پذیرش سایر افراد هستند و از استعدادهای خود در راه صلاح جمع بهره می‌گیرند، نه این که فقط به صلاح خودشان فکر کنند. افرادی که نقصانی در این شایستگی دارند، ممکن است نگرش‌های ضداجتماعی را تصدیق کنند، در برابر سایرین، آزاردهنده عمل نمایند و پیوسته به دنبال بهره‌گرفتن از سایر افراد باشند."

مسئولیت‌پذیری اجتماعی، عامل اتصال و پیوند دهنده جوامع و گروه‌های اجتماعی است. رفتار "مشارکتی" شامل تغییرات کندتر، منظم و حساس، کاهش هزینه‌های محیطی و اجتماعی، و توزیع مساوی و یکپارچه منابع، و برنده‌ها و بازنده‌های خیلی کمتر. دلیل این امر نیز بر این پایه استوار است که این نوع اهداف، چندوجهی محسوب می‌شوند، ذاتاً میان رشته‌ای (interdisciplinary)، تلقی می‌شوند، و از فرآیندهای ساختاری و شهودی تبعیت می‌کنند و توسط تیم‌هایی هدایت می‌شوند که از میزان هیجانی بسیار بالایی برخوردار هستند. (هوش هیجانی و رهبری سازمانی - مارسیا هاگس و دیگران - علی محمد گودرزی - مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی).

## ۴- یافته‌ها

هدف اصلی این مطالعه بررسی رابطه سرمایه‌های روانشناختی و مولفه‌های آن با مسئولیت‌پذیری نوجوانان است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سرمایه‌های روانشناختی و مولفه‌های آن با مسئولیت‌پذیری نوجوانان رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. یعنی با افزایش سرمایه‌های روانشناختی میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. سرمایه‌های روانشناختی تابعی از سرمایه اجتماعی است. و کمیت و کیفیت تعاملات در روابط اجتماعی تعیین‌کننده سرمایه اجتماعی است. از سویی روابط اجتماعی افراد بر میزان سرمایه روانشناختی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. بنابراین تغییرات در کمیت و کیفیت این روابط اجتماعی می‌تواند در عملکرد یک فرد تأثیرگذار باشد. همچنین بنا به مطالعه آدلر و همکارش نشان داده



شد که نوسانات و تغییرات در وضعیت سرمایه روانشناختی در سطوح فردی و عمومی، با تغییر در میزان سرمایه اجتماعی رابطه و همخوانی دارد. به این ترتیب که سرمایه اجتماعی، با وضعیت مناسب تر سلامت فردی و عمومی، میزان خوش بینی بالاتر، افزایش انجام رفتارهای مثبت بهداشتی، افزایش تاب آوری در برابر مشکلات و کاهش اختلالات روانی در ارتباط می باشد. از سویی، افرادی که از سرمایه روانشناختی بالایی برخوردارند، توانایی تعاملات گروهی و مشارکتهای اجتماعی بیشتری را دارا هستند. بنابراین آنچه افراد را به یکدیگر پیوند می دهد و باعث تکرار و تداوم و بیشتر شدن تعاملات می گردد، سرمایه روانشناختی است. به نظر می رسد افراد دارای سرمایه روانشناختی بالاتر، تعاملات اجتماعی و مسئولیت پذیری اجتماعی مداوم و بیشتری داشته و از زندگی اجتماعی بهتری بهره مند می شوند. یافته دیگر پژوهش نشان داد که امیدواری، رابطه مثبت و معنی داری با سرمایه اجتماعی دارد. یعنی با افزایش امیدواری میزان سرمایه اجتماعی نیز افزایش می یابد. این یافته نیز با تحقیقات لوتانز و جنسن و اسنایدر و لوپز همسویی دارد. در تبیین این یافته نیز می توان گفت که همه انسان ها در هنگام گرفتاری به حمایت و مشارکت دوستان و اطرافیان خود نیاز دارند تا احساس امنیت کنند. لذا هر چه میزان سرمایه اجتماعی و حمایت دیگران بیشتر باشد، امیدواریشان نیز بیشتر است. از سویی به نظر م پرسد از فردی که امیدواری نسبت به زندگی و آینده خود ندارد، نمی توان انتظار داشت با دید مثبتی به زندگی بنگرد. افرادی که امیدواری پایینی در زندگی دارند اغلب احساس می کنند که مهارتهای ویژه و تواناییهای لازم برای رفتار میان فردی را ندارند و چشم داشت کمی از موفقیت در رفتار میان فردی را ندارند و چشم داشت کمی از موفقیت در رفتار میان فردی را ندارند و چشم داشت کمی از موفقیت در اجتماعی رسمی و انجمنهای گروهی افرادی که امیدواری بالایی در زندگی دارند بیشتر بوده، ممکن است توانایی برقراری ارتباط اجتماعی بهتری را با دیگران داشته باشند. یافته دیگر پژوهش نشان داد که خودکارآمدی با سرمایه اجتماعی رابطه مثبت و معنی دار دارد. نتایج این بخش نیز با یافته های تحقیقات استجو کوپیک و بندورا همسو است. این یافته بیانگر آن است، فردی که از خودکارآمدی بالایی برخوردار است، رابطه مناسب تری با دیگران برقرار می سازد و متقابلاً حمایت های آن ها را فراخوانده و احساس کارآمدی بیشتری می نماید. افرادی که نسبت به توانایی های خود اطمینان ندارند، سازگاری اجتماعی ضعیفی دارند که این امر به نوبه خود موجب کاهش حمایت های اجتماعی و احساس کارآمدی می شود. چرا که طبق نظر بندورا یکی از عوامل افزایش خودکارآمدی، تشویق و تأیید دیگران است. به بیانی دیگر افرادی که از خودکارآمدی بالایی برخوردار بوده، اطمینان دارند که می توانند کارهای خود را انجام دهند، می توانند از این راه ها با دیگران ارتباط اجتماعی برقرار کرده، شبکه های حمایت اجتماعی محکم تری بنا کنند و به طبع آن احساس توانمندی بیشتری نمایند. شواهد حاکی از آن است افرادی که به توانایی های خود اعتماد ندارند، در موقعیت های مخاطره دچار یأس و ناامیدی شده، احتمال اینکه به نحو مؤثری عمل کنند کاهش می یابد. این امر به نوبه خود منجر به احساس ناکارآمدی بیشتر می گردد و همین امر باعث می شود که برقراری تعاملات اجتماعی فرد با دیگران کاهش یابد و کمتر به سوی گروه های اجتماعی تمایل داشته باشد. همچنین یافته دیگر پژوهش نشان داد که خوشبینی با سرمایه اجتماعی رابطه مثبت و معنی داری دارد. در تبیین این یافته می توان گفت افراد در سایه امنیت می توانند به خواسته ها و اهداف خود دست یابند. انسان ها در آرامش و با آسودگی خاطر می توانند به جامعه و محیط پیرامون خوش بین باشند. وقتی افراد می توانند به دیگران اعتماد کنند و روابط اجتماعی و تعامل صحیح برقرار نمایند که از اطرافیان خود احساس ایمنی کنند، خوش بینی، زمانی در افراد شکل می گیرد که اطمینان داشته باشند روابط میان افراد به گونه ای تنظیم شده است که حقوق و خواسته های حیاتی آنان محقق می شود و کارها و امور جامعه مسیر درست و طبیعی خود را طی خواهد کرد. خوش بینی باعث می شود که فرد با گروه های اجتماعی و افراد مختلف در شبکه روابطش تماس و پیوند داشته باشد و به عبارتی از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار شود، اعتمادش به سایر اعضای جامعه و افرادی که با آنها در شبکه روابطش در تماس است بیشتر شود. یافته دیگر پژوهش نشان داد که تاب آوری با سرمایه اجتماعی رابطه مثبت و معنی دار دارد. در تبیین این یافته می توان گفت فرد تاب آور، ارتباط اجتماعی بیشتری با دیگران دارد و زمانی که درگیر مکالمه با دوستان و اطرافیان خود می شود، به نوعی با او درد و دل می کند و انتظار دریافت حمایت دارد. اینگونه افراد زمانی که این حمایت را دریافت می کنند به سازگاری بیشتری دست یافته، بهتر با موقعیتهای تنش زا برخورد می نمایند. به عبارتی توانایی ایجاد و حفظ دوستی با دوام و داشتن سرمایه اجتماعی بالا از عوامل مهم در افزایش تاب آوری است. در واقع هر چه فرد بیشتر دارای ارتباطات اجتماعی باشد، از حمایت روانی و اجتماعی بیشتری برخوردار شده، به همان نسبت از تاب آوری بالاتری برخوردار خواهد شد.

##### ۵- بحث و نتیجه گیری

نوجوانان قشری از جامعه هستند و سلامتی روانشناختی آنها برای جامعه ارزش بالایی دارد. از طرفی سرمایه اجتماعی به عنوان یک عامل مهم، می تواند به مسئولیت پذیری اجتماعی و سرمایه های روانشناختی افراد و نوجوانان کمک کند سرمایه اجتماعی نیرومندترین نیروی مقابله ای برای رویارویی موفقیت آمیز و آسان افراد در زمان درگیری با شرایط تنش زا شناخته شده، تحمل مشکلات را برای افراد تسهیل می کند. از سویی ارتقای سرمایه روانشناختی در جامعه، شاخص توانمندی نظام اجتماعی به شمار می رود. این توانمندی به لحاظ عملی از طریق ارزیابی زندگی افراد جامعه مد نظر قرار می گیرد.



۵-۱- آثار مسئولیت پذیری و انجام وظیفه در نسل نوجوان بسیار است. برخی از پیامدهای برجسته آن عبارت است از:

۱) تقویت حس کفایت و لیاقت در زندگی

تقویت حس کفایت و لیاقت زمانی پدید می آید که هر یک از ما احساس می کنیم لیاقت ذاتی خویش را به ظهور رسانده ایم و با قبول تعهد و مسئولیت به قله افتخار «خودباوری» دست یافته ایم.

۲) احساس نشاط پایدار درونی و شادابی معنوی

استقبال از «مسئولیت» و توجه به «تعهد» و «تکلیف» به ویژه در عرصه ارتباط با پروردگار و آفریده های الهی بیانگر گستره شخصیت انسان و تفاوت او با جمادات، نباتات و حیوانات است. انجام وظیفه و پذیرش مسئولیت و تعهد عالی ترین مقصد و منظور زندگی و اخلاق است

۳) ایجاد و افزایش حس قدرشناسی از زندگی

در یک نگاه مسئولیت پذیری و تعهد و توجه به وظایف خویش در زندگی، حس قدرشناسی به انسان می بخشد، زیرا آنان که با زحمت و تلاش و سختکوشی و قبول مسئولیت به زندگی خود رشد و بالندگی بخشیده اند، بیش از دیگران شاکر نعمت ها و قدرشناس الطاف الهی هستند.

۴) آمادگی برای ایفای مسئولیت های بزرگ

انجام هر وظیفه و مسئولیتی، رضایت درونی به انسان می بخشد و افزون بر آن بر اعتماد به نفس نوجوانان می افزاید و آنها را برای قبول مسئولیت های عظیم تر و گسترده تر آماده و مطمئن می سازد.

۶- پیشنهادات:

شیوه های تشویق و ترغیب نوجوانان به مسئولیت پذیری:

۱) آگاه کردن والدین به وظیفه آنان در تعویض مسئولیت های مناسب به فرزندان از دوران کودکی و به دنبال آن در ایام نوجوانی و جوانی.

۲) آشنا ساختن مربیان و معلمان با نقشی که مسئولیت های درون مدرسه در سازندگی جامعه دارد، با حوصله، دقت و سازگاری در خور، مسئولیت هایی به دانش آموزان واگذار کنند تا با تمرین بسیار خود را برای مسابقه جدی مسئولیت پذیری در جامعه آماده سازند.

۳) تفهیم این واقعیت به نسل جوان که لیاقت های آنان بیش از کلام در عمل آنها تجلی می یابد،

۴) توجه نسل جوان در زمینه آثار ارزشمند فردی و اجتماعی مسئولیت پذیری و ارائه تحلیل های منطقی و روانشناختی در زمینه ارتباط میان مسئولیت پذیری و رشد اعتماد به نفس و ابراز وجود آثاری گرانبها همچون:

الف) ثبات شخصیت و پایداری و استقامت در برابر دشواری ها و تنگناهای زندگی. ب) جلب اعتماد دیگران به خویشتن.

ج) بروز خلاقیت ها و ظرفیت های درونی و خدادادی. د) خوش بینی، مثبت نگری، امید در امروز و طلایی دیدن افق فرداهای زندگی.

۵) ترغیب جوانان به قبول مسئولیت های شخصی و خانوادگی در راستای دستیابی به تجربیات قابل قبول برای مسئولیت های اجتماعی و حتی جهانی.

۶) آشنایی نسل نو با زندگینامه شخصیت های خودساخته و وارسته و بزرگان عرصه اندیشه و اخلاق برای تشویق جوانان به کوشش آگاهانه و تفکر خلاق.

این روش به گونه ای دلپذیر، روح و روان نسل جوان را به اوج ارزش های انسانی پرواز می بخشد، مقام بلند انسانیت را نمایان می سازد و موفقیت و سربلندی حقیقی را در نگاه آنان تجلی می دهد تا هرگز در پی آب، سراب نجویند و حقایق حیات را با چشم دل ببینند و بیابند

۷) تشویق جوانان در جهت دانش افزایی عمومی و گسترش اطلاعات کلی زندگی به منظور پذیرش آگاهانه مسئولیت و ایفای موفقیت آمیز آنها. بدون تردید توجه دادن به نسل نوجوان که آنها در همه حال در محضر خدای متعال هستند و هرگونه مسئولیتی را که بپذیرند، پروردگار شاهد و ناظر آنهاست، زمینه ساز رشد وجدان اخلاقی جوانان در عرصه های قبول و انجام مسئولیت ها می شود و بر این امتیاز ارزشمند در زندگی می افزاید تا بر آن باشند، «مراقبت از نفس» و «یاد خدا» را در عرصه های مختلف حفظ کنند

۷- منابع

1-Luthans, F. (2012). Psychological capital: Implications for HRD, retrospective analysis, and future directions. Human Resource Development Quarterly, 23(1), 1-8.

2-Youssef, C. M. , & Luthans, F. (2010). An integrated model of psychological capital in the workplace. Oxford handbook of positive psychology and work, 277-288.

3. Bakker, A., Schaufeli W.B. (2008). Positive organizational behavior: Engaged employee in flourishing organizations. Journal of Organizational Behavior, 29.

4. Luthans, F., Avolio, B.J. (2007). Positive psychological capital: Measurement and relationship with performance and satisfaction, Personnel Psychology, 60.





# International Conference on Psychology, Educational and Behavioral Sciences

کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و رفتاری

12th and 13th July 2016 - Iran, Tehran

۲۲ و ۲۳ تیرماه ۱۳۹۵ - تهران

5. Luthans, F., Youssef, C., Avolio, B. J. (2007). Psychological Capital: Developing the human competitive edge, Oxford University Press.
- ۶- لوتانز و همکاران (۱۳۹۲). سرمایه روانشناختی سازمان: تحولی در مزیت رقابتی سرمایه انسانی. ترجمه عبدالرسول جمشیدیان و محمد فروهر. انتشارات آبیژ تهران.
- ۷- فروهر، محمد؛ شیوا ملکی احسان، رحیم روزبهانی، و بیتا خبازیان (۱۳۹۲) ب (رفتار سازمانی و پژوهش سازمانی مثبت‌گرا: رویکردهایی نوین به مدیریت و رهبری. در همایش ملی حسابداری و مدیریت. شیراز (۱۴ شهریور ۱۳۹۲)
- ۸- فروهر، محمد، شیوا احسان ملکی، رحیم روزبهانی، و ندا شاه محمدی (۱۳۹۲ الف). مدیریت سرمایه روانشناختی سازمان: رویکردی نوین به خلق مزیت رقابتی. دومین همایش ملی علوم مدیریت نوین. گرگان شهریور ۱۳۹۲.
- ۹- عبدالرسول جمشیدیان، محمدفروهر و ناهید محمدی (۱۳۹۳) کاربرد سرمایه روانشناختی در بهبود فعالیت‌های پلیس. فصلنامه توسعه پلیس.
- ۱۰- شولتس، روانشناسی کمال: الگوهای شخصیت سالم، ترجمه: گیتی خوشدل، چاپ نهم، تهران: نشر پیکان، ۱۳۸۰.

## The relationship between psychological capitals with social responsibility in adolescents

Sedigheh Ghasemi, Educational research graduate student Payam Noor University Shiraz  
Ahmad Rastegar, Assistant Professor Payam Noor University of Tehran

It is known that psychological capital on a wide range of personal and social consequences, such as personal and social responsibility has a positive impact. In addition to the functions of organizational behavior has become clear that psychological capital psychological capital has important implications for human resource management. So extensive psychological capital can be used on a wide range of areas of shadow and researchers and executives in the realization of psychological capacities to achieve the most favorable outcome is positive. Period Teenager is valuable time to learn social responsibility, because in that period that the person likes to be more independent and have to make decisions about some of the values and behavioral approaches to take. One of the major factors that can make the choices Teenagers maturity, the amount of personal and social responsibility in business. In this regard, this study examines the relationship between psychological capital and individual and social responsibility among adolescents is. The results generally show that although school accountability and individual responsibility among girls than boys However, social responsibility boys more than girls. In addition, social responsibility and personal accountability in schools has a significant relationship with psychological capital.